

وحدت امت اسلامی در کلام امام خمینی رحمته الله علیه و مقام معظم رهبری رحمته الله علیه

راشد حسین رضوی^۱

چکیده:

امام خمینی رحمته الله علیه وحدت را عامل قدرت و تفرقه را موجب سستی پایه دیانت تلقی کرده و وحدت جهان اسلام برای حضرت امام آرمانی بزرگ تلقی می‌شد. ایشان درد و ضعف ملت را در تفرقه می‌داند و مجد و عظمت را در وحدت و همدلی. ایشان راهکارهای مؤثری را برای تحقق هم‌گرایی و همدلی امت اسلامی ارائه می‌دهند و خود نیز پای در میدان می‌نهد و به بسیاری از آن راهکارها جامه عمل می‌پوشاند. ایشان یکی از راهکارهای اساسی وحدت اسلامی را ایجاد حکومت اسلامی می‌دانست. امام خمینی در بیان مفهوم وحدت دو نکته با هم بودن و اجتماع داشتن و اعتصام در راه حق را مطرح می‌کنند و اعتقاد دارند که وحدت حقیقی بدون اعتصام به جبل خدا معنا نخواهد داشت. وحدت از دیدگاه امام دارای دامنه وسیعی است و وحدت مستضعفان یا مسلمانان در راه اهداف کلی دینی و دستیابی به کمال و رشد مطرح می‌باشد. ایشان وحدت را از علل محدثه و رمز ماندگاری انقلاب اسلامی می‌دانستند. انسجام امت اسلامی در دیدگاه مقام معظم رهبری، به معنای فهم درد مشترک، دشمنیهای مشترک و ظرفیتهای مشترک می‌باشد که در این یک‌نوایی و همدلی است که وحدت، عینیت می‌یابد. مقام معظم رهبری به موضوع وحدت چنان اهمیتی می‌دهند که آن را به عنوان مسئله‌ای استراتژیک و نه تاکتیکی معرفی نموده و همواره علما، روشنفکران، برجستگان سیاسی و آحاد امت اسلامی را به وحدت ذیل دستورات و آموزه‌های قرآن کریم و ارادت و محبت به پیامبر اسلام دعوت کرده‌اند. وحدت در نگاه مقام معظم رهبری به معنای نبودن تفرقه، درگیری و کشمکش است. این مقاله می‌کوشد تا به بررسی مفهوم وحدت اسلامی در دیدگاه امام خمینی و مقام معظم رهبری بپردازد و همچنین تلاش بر آن است تا بتوانیم عوامل و زمینه‌های ایجاد تفرقه، ایجاد وحدت، مفهوم وحدت، ابزارها و جایگاه آن را در اندیشه این دو بزرگوار بررسی کنیم.

واژه های کلیدی: وحدت؛ امام خمینی رحمته الله علیه؛ مقام معظم رهبری رحمته الله علیه؛ جبل‌الله؛ مستضعفان؛ تفرقه.

^۱ دانش پژوه مقطع: کارشناسی ارشد رشته تفسیر و علوم قرآن، کد: ۱۵۹۱۷۲۰

مقدمه:

وحدت، در لغت عبارت است از: یکی شدن، یک دست شدن، حول محوری چرخیدن، برادری، اتحاد، مرکب شدن و اتفاق. انسجام نیز به معنای روان شدن اشک و جز آن، روانی در کلام، هماهنگی و همواری آمده است. اتحاد و وحدت ملی مقوله‌ای است که بیشتر جنبه داخلی دارد و در چهارچوب مرزهای کشور معنا می‌یابد و اصطلاحات دیگری همچون؛ وفاق ملی، همبستگی ملی و وحدت، تا حدودی به این مفهوم شبیه می‌باشد، در زبان انگلیسی از کلمه ی وحدت به ترتیب اولویت و کاربردهای اجتماعی، فرهنگی و ... از این واژگان بهره می‌جویند: ۱ solidarity، ۲ alliance، ۳ unity و در اصطلاح یعنی برنامه‌ای برای رسیدن به اهداف عالی و بلندمدت که از اندیشه طرف نشأت گرفته باشد؛ در مقابل تاکتیک که برای گذار از مرحله‌ای مطرح می‌شود (ایرانی، ۱۳۸۸، ص ۷۱).

وحدت اسلامی، از مهم‌ترین ایده‌ها و آرمانهایی است که هر مسلمان آزاده‌ای، از صدر اسلام تا کنون، بر مبنای تعالیم اسلام داشته است. در این باره در متن منابع اصیل اسلامی، به خصوص در قرآن کریم، واژه‌هایی همچون «امت» و «امت واحده» بهترین مؤید این مطلب است. انسجام و وحدت جمعی، مهم‌ترین مسئله امت اسلامی است. استعمارگران، پی به اهمیت آن برده و در سده‌های اخیر، درصدد شکستن آن برآمده و بهره‌های ظالمانه فراوانی برده‌اند. در سایه اسلام و به برکت تعالیم اسلامی است که ابعاد و عوامل اخلاقی و اجتماعی وحدت مسلمانان، عمق و استحکام می‌یابد (موثقی، ۱۳۷۱ش، ص ۳۸۳).

کشورهای قدرتمند اکنون برای حفظ انسجام و دوام بقای خود به دشمن تراشیهی گوناگون روی آورده، و در این راه، به سوی اسلام نشانه رفته‌اند. دشمنان اسلام برای از بین بردن تواناییهای مسلمانان به ترفندهای مختلفی دست می‌زنند که از جمله می‌توان به تلاش برای جلوگیری از وحدت مسلمانان و ایجاد تفرقه بین آنها اشاره کرد. در چنین وضعی مسلمانان جهان می‌توانند با تجمع حول محور اسلام، اهداف شوم استکبار جهانی را با شکست مواجه سازند. این تفکر در ایران با پیروزی انقلاب اسلامی به حیطة عمل راه یافته است و تلاش برای این است تا با گذشت زمان تعداد بیشتری از مسلمانان در زیر لوای اسلام گرد هم آیند. در این جهت راهبرد وحدت بین مسلمانان مطرح می‌شود (بزرگی، ۱۳۸۴ش، ص ۲۶ و ۲۷).

اتحاد و اخوت اسلامی، امروزه بیش از گذشته برای مسلمانان ضروری و در کسب آزادی و استقلالشان نقش مؤثر و حیاتی دارد. اگر در گذشته تاریخ، امت اسلام دارای چنان سیادت و عظمتی بود؛ در کوتاه‌ترین مدت ممکن، شعاع آفتاب اسلام تا بام کشورهای اروپایی و نیز برخی از ممالک غربی هم پرتو می‌افکند و این امر به خاطر وحدت اسلامی و یکپارچگی مسلمانان بود. اگر امروز مسلمانان گرفتار استعمار غرب و شرق هستند و استکبار

جهانی سایه شوم سلطه خویش را بر سرشان گسترده و هرگونه آزادی، حاکمیت ملی و مذهبی را از آنان سلب کرده است، به خاطر اختلاف و پراکندگی این امت بزرگ و به علت ناهماهنگی و تشتت آراء آنان می‌باشد.

امام خمینی علیه السلام معمار بزرگ انقلاب اسلامی، فارغ از همه مناقشات کلامی، فقهی و تاریخی، با تکیه بر دو عامل کلیدی؛ یعنی ۱. لزوم قدرت‌یابی مسلمانان و لزوم شکست اقتدار شیطانی و پوشالی قدرتهای رقیب اسلام؛

۲. مقوله وحدت و انسجام تاریخی و اجتماعی امت اسلامی، تبدیل به گفتمان غالب و رایج نهادهای اسلامی در گستره جهانی گردید. با موج بیداری اسلامی، از رهگذر حرکت انقلاب اسلامی، تکاپویی فعال در میان مسلمانان مطرح گردید. با پیدایش این پارادایم فعال، قدرتهای سلطه‌جو و انحصارطلب، در راستای هژمونی خودشان، بر مایه‌های تفرقه انگشت نهادند و هزینه‌های هنگفتی را صرف نمودند تا زمینه بحث وحدت از بین برود، که این ماجرا همچنان تداوم دارد.

با توجه به موقعیت ویژه کنونی جهان اسلام و وضعیت جبهه‌های معارض مسلمانان، جانشین به حق امام خمینی علیه السلام، ساکنان حرکت انقلاب اسلامی، یعنی مقام معظم رهبری، مقوله انسجام و وحدت امت اسلامی را در محور آرمانهای خویش قرار دادند.

بخش اول:

نگاه امام به مسئله وحدت (جایگاه وحدت)

تلاش در جهت بیداری فردی و گروهی مسلمانان و ایجاد وحدت برای پیاده کردن اسلام واقعی در جهان و بازگشت عزت و کرامت مسلمانان، از خصوصیات بارز امام خمینی علیه السلام بود. امام وحدت را به عنوان یک استراتژی قبول داشت؛ وحدت ملی برای حفظ کشور، به غارت نرفتن منافع ملی؛ انسجام و اتحاد اسلامی، برای حفظ عزت مسلمانان و ضربه نخوردن اسلام و قرآن، و اتحاد بین مستضعفان برای مبارزه با استکبار؛ زیرا ایشان بارها و بارها بر اتحاد برای پیروزی مسلمانان تأکید نموده و میوه‌های وحدت را پیروزی، نابودی دشمنان، شکوفایی، پیشرفت کشور و مسلمانان و ... بر می‌شمردند. امام خمینی علیه السلام وحدت را علت محدثه و مبقیه نظام اسلامی و اسلام و وحدت را ضامن بقای مسلمانان دانسته‌اند (جمشیدی و محمدی، ۱۳۸۹ش، ص ۵۹).

وحدت مورد نظر امام از مرحله بیداری شروع و با مرحله اتحاد جهانی مستضعفان خاتمه می‌یابد که نتیجه آن اجرای عدالت در سطح گیتی خواهد بود. از عوامل ایجاد وحدت، می‌توان به تحمل حرفهای مخالف و اعتقاد به حل مشکل از طریق گفت‌وگو اشاره کرد که این امر میسر نمی‌شود مگر با خودسازی و مبارزه با نفس؛ از این رو، در اندیشه امام، مسئله مبارزه با نفس، برای رسیدن به وحدت بسیار مهم و ضروری است تا جایی که وی قائل

است کسانی که مسائل تفرقه‌انگیز را مطرح می‌کنند در دین و اسلام ندارند بلکه در بند خودخواهی هستند (ایرانی، ۱۳۸۸ش، ص ۷۲).

اتحاد امت اسلامی از خاستگاه‌های فکری، نظری، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی فراوانی برخوردار است. امام خمینی علیه السلام از همین منظر، در یک نگرش کلی مقوله وحدت تاریخی امت اسلامی را مورد توجه قرار می‌دهند. در دیدگاه ایشان، وحدت عملی در حوزه جهان اسلام، شکل دهنده جوامع دینی می‌باشد و عناصری ساختاری این مقوله را عملیاتی می‌نمایند؛ همچون عقیده مشترک، نظیر عقیده به توحید، قبله واحد، قرآن و کتاب آسمانی واحد و بسیاری از مشترکات دیگر، و همچون هویت مشترک، که همان هویت اسلامی می‌باشد و همچون دشمن مشترک و سرنوشت مشترک. مجموعه این عناصر، عناصر شکل دهنده به قواره جامعه اسلامی است که در جای جای قرائت امام خمینی علیه السلام از مقوله وحدت مشاهده می‌گردد (نویسی، ۱۳۸۶ش، ص ۱۰).

بینش امام خمینی علیه السلام این است که روابط کشورهای اسلامی، اگر معطوف به اشتراک عقیده، وحدت کلمه و دیگر مشترکات باشد، اختلافات و زمینه‌های جدایی فروکاسته می‌شود و هویت جدید و فعالی بروز و ظهور می‌نماید. در نگاه امام خمینی علیه السلام، اختلافات مسلمانان، ریشه در طبیعت، جغرافیا، زبان و فرهنگ‌های بومی و از همه مهم‌تر، توطئه‌ها و ترفندهای سلطه‌طلبان عالم دارد که با تکیه بر عناصر فوق، سعی در تشدید اختلافات، تفرقه و برجسته کردن نقاط افتراق دارد. اختلافات میان کشورهای اسلامی، باید براساس اصول و روشهای استراتژیک مرتفع گردد. گفتگو، تفاهم، تقریب، احساس مشترک و باور به سرنوشت مشترک، مقوله‌های وحدت‌ساز را تشکیل می‌دهد. امام می‌گوید: «اگر مسلمانان، آن عزت و عظمتی را که در صدر اسلام داشتند، باز یابند، به اسلام و وحدت کلمه روی آورند، آن اتفاق بر محور اسلام بود که آن قدرت و شجاعت مافوق‌الطبیعه را به وجود آورد» (خمینی، ۱۳۶۸ش، ج ۵، ص ۳۲). امام همواره وحدت را در تمام مراحل زندگانی سیاسی و دینی خویش مد نظر داشته و نه تنها قبل از پیروزی انقلاب که دشمن مشترک؛ تمام اقشار جامعه را تهدید می‌کرد، به وحدت می‌اندیشید، بلکه پس از پیروزی نیز بر آن پای می‌فشرد و وجود آن را از علل محدثه و مبقیه انقلاب اسلامی اعلام می‌کرد.

امام وحدت را «عامل قدرت» و تفرقه را موجب «سستی پایه دیانت»، تلقی کرده و هشدار می‌دهد: «تفرقه موجود در بین کشورهای مسلمان یا از خیانت سران ممالک اسلامی و یا از جهل و بی‌اطلاعی آنان است ... سنی و شیعه مطرح نیست، در اسلام کرد و فارس مطرح نیست، در اسلام همه برادر و با هم هستیم. یک دسته از مسلمانان؛ سنی، یک دسته حنفی و دسته‌ای اخباری هستند ... در یک جامعه‌ای که همه می‌خواهند به اسلام خدمت کنند و برای اسلام باشند، این مسائل نباید مطرح شود. ما همه برادر و با هم هستیم ... اینها دلیل اختلاف نیست، ما نباید با هم اختلاف و یا یک تضادی داشته باشیم. برادران شیعه و سنی باید از هر اختلافی احتراز کنند.

امروز اختلاف بین ما، تنها به نفع آنهایی است که نه به مذهب شیعه اعتقاد دارند و نه به مذهب سنی اعتقاد دارند و نه به مذهب حنفی و یا سایر فرق. آنها می‌خواهند نه این باشد و نه آن، راه را این‌طور می‌دانند که بین این دو اختلاف بیندازند. ما باید توجه به این معنی بکنیم که همه ما مسلمان هستیم و همه ما اهل قرآن و اهل توحید هستیم و باید برای قرآن و توحید زحمت بکشیم و خدمت کنیم» (همان، ج ۱۲، ص ۲۵۹).

وحدت جهان اسلام برای امام آرمانی بزرگ تلقی می‌شد به گونه‌ای همواره بر وحدت تأکید داشت: «انشاءالله روزی همه مسلمانان با هم برادر و همه ریشه‌های فساد از همه بلاد مسلمانان کنده بشود و این ریشه فاسد اسرائیل از مسجدالاقصی و از کشور اسلامی ما کنده شود. ان‌شاءالله تعالی با هم برویم و در قدس نماز وحدت بخوانیم» (همان، ج ۱۲، ص ۲۸۳). «مسلمانان به دستورات اسلامی رفتار کنند و وحدت کلمه خود را حفظ نمایند و از اختلاف و تنازع، که مایه شکست آنها است، دست بکشند» (همان، ج ۱، ص ۲۰۳). «ما محتاج به وحدت هستیم در سالیان دراز. همیشه قرآن کریم به ما دستور داده و به مسلمانان دستور وحدت داده برای سراسر عالم و در سراسر تاریخ. ما محتاج به این هستیم که عملاً وحدت را محقق کنیم» (همان، ج ۱۹، ص ۱۵). «وحدت مذهبی است که این اجتماع عظیم و فشرده را ایجاد می‌کند. اگر علاقه به استقلال دارید، وحدت مذهبی داشته باشید» (همان، ج ۱، ص ۶۴). «تنها راه بازیابی عظمت و عزت و شکوه بینش اسلام و مسلمانان، مسئولیت پاسداری وحدت و برادری دینی، تنها ضامن استقلال سرزمینهای اسلامی است» (همان، ج ۱، ص ۱۹۲). «رمز پیروزی مسلمانان در صدر اسلام، وحدت کلمه و وحدت ایمان بود» (همان، ج ۶، ص ۴۹).

یکی از مهم‌ترین دلایل امام خمینی برای تشکیل حکومت، تأمین وحدت و اتحاد امت اسلامی است. (جمشیدی، ۱۳۷۸ش، ص ۴۳). ایشان در این باره می‌فرمایند: «ما برای اینکه وحدت امت اسلامی را تأمین کنیم، برای اینکه وطن اسلام را از تصرف و نفوذ استعمارگران و دولت‌های دست‌نشانده آنها خارج و آزاد کنیم، راهی نداریم جز اینکه تشکیل حکومت بدهیم ... تشکیل حکومت برای حفظ نظام و وحدت مسلمانان است ...» (خمینی، ۱۳۶۸ش، ج ۵، ص ۴۳).

امام استقلال، آزادی و عدالت را لازمه و زمینه‌ساز وحدت تلقی می‌کرد و از امکاناتی همچون مسئله فلسطین، مناسک حج، مراسم برائت از مشرکین ... برای ایجاد وحدت بهره‌گیری می‌کرد و با انگیزه دفاع از کیان اسلام، امر به معروف و نهی از منکر، انسان‌سازی، کسب استقلال و آزادی و شرافت برای همه انسانها و مسلمانان، گسترش عدل الهی و اسلام در جهان و جلوگیری از اختلاف و تفرقه؛ ایده وحدت‌طلبانه خویش را ابراز نمود، امام دامنه و دایره شمول وحدت را بسیار وسیع و فراگیر می‌دانست به طوری که همه انسانها، مستضعفان عالم، مسلمانان جهان، همه مذاهب اسلامی و حتی دیگر ادیان الهی را دربر می‌گرفت و بالاخره می‌توان چنین بیان نمود که وحدت اسلامی مورد نظر امام ثمرات فراوانی برای مسلمانان به بار آورده و در آینده نیز ثمرات شیرینی

پدید خواهد آورد که پدیده انقلاب اسلامی ایران، جنبشهای آزادی‌بخش اسلامی و دیگر ملل مستضعف، هراس استکبار جهانی از مسلمانان و سیادت و آقایی مسلمانان از آن جمله است. بنابراین آرمان وحدت امام خمینی موجب پیروزی و رمز بقاء امت اسلامی است.

علل تفرقه و جدایی بین مسلمانان از دیدگاه امام علیه السلام

عوامل و زمینه‌های ایجاد تفرقه از دیدگاه امام خمینی می‌توان بیان نمود که در جوامع بشری وحدت عامل اصلی بوده و در حقیقت، علل و عواملی آن وحدت اولیه را دچار اختلال نموده است. به طور کلی عواملی را که منجر به تفرقه می‌شود را می‌توان به دو دسته تقسیم نمود:

۱. عوامل نفسانی و اخلاقی ۲. عوامل اجتماعی

الف: عوامل نفسانی و اخلاقی: انسان موجودی است که در کنار فطرت الهی طبیعت خاکی و حیوانی نیز دارد. از این رو، گرچه رشد او در جنبه معنوی و روحی او را از ملائک برتر می‌سازد و مسجود ملائکه می‌شود، سقوط او در نفسانیات و شهوات نیز او را به حسیض ذلت می‌کشاند. طبیعت زیاده‌طلب انسان همه چیز را برای خود می‌طلبد و در نتیجه، تفاهم، هماهنگی و عدالت را منافی اغراض و امیال خویش می‌داند. از این رو یکی از مهم‌ترین عوامل تفرقه، هوای نفس و شیطان است.

قرآن کریم از این خصلت به عنوان خوشحالی‌های گروه‌های باطل یاد می‌کند و تسلط شیطان بر دل‌ها را سبب از یاد بردن محور وحدت و افتادن در مسیر باطل می‌داند. حضرت امام در اولین پیام مکتوب سیاسی خود که هم‌اکنون در دست است می‌فرماید: خودخواهی و ترک قیام برای خدا ما را به این روزگار سیاه رسانیده و همه جهانیان را بر ما چیره کرده و کشورهای اسلامی را زیر نفوذ دیگران درآورده است. ... قیام برای منافع شخصی است که روح وحدت و برادری را در ملت اسلامی خفه کرده، قیام برای منافع شخصی است که روح برابری را از بین برده است (صحیفه امام، ۱۳۷۵، ج ۱: ۳)

در جای دیگر نیز عامل ایجاد اختلاف را شیطان معرفی و به صراحت می‌فرماید: اختلاف از زبان هرکس باشد، از زبان هر موجودی باشد، این زبان زبان شیطان است، چه از زبان یک روحانی باشد، چه از زبان یک مقدس باشد، چه از زبان یک نمازگزار باشد، چه از سایر زبان‌ها؛ بدانید که این زبان، زبان شیطان است و گاهی هم خود آن آدم ملتفت نیست که تحت تأثیر شیطان است یا زبان شیطان در او دارد فعالیت می‌کند. (صحیفه امام، ۱۳۷۸، ج ۲۰: ۱۳-۱۲) در کل حضرت امام عموم اختلافات را دارای منشأ نفسانی می‌دانستند.

ب: عوامل اجتماعی: جدا از عوامل نفسانی و شخصی که موجبات افتراق را فراهم می‌سازد، عوامل اجتماعی نیز در این مسیر مؤثر است. از دیدگاه قرآنی «ولایت» و سرپرستی حاکمان بیدادگر سبب تفرقه در جامعه می‌شود. حضرت امام نیز بارها به وجود توطئه‌های شیطانی در ایجاد تفرقه در امت اسلامی اشاره کرده‌اند. امام چون تفرقه را به سود مستکبران می‌دیدند و به عیان تلاش آنان را در راه اختلاف میان گروه‌های اسلامی مشاهده می‌کردند، همواره بر حرمان و ناکام گذاشتن ابرقدرت‌ها تأکید می‌ورزیدند. از سوی دیگر عامل خارجی دیگری که در ایجاد اختلاف از نظر امام مؤثر بوده است عدم رشد جامعه بوده است (قاضی‌زاده، ۱۳۷۷: ۴۷۰). امام در دوران ستم‌شاهی در مورد اختلافاتی که از سوی بعضی از دوستان نادان دامن زده می‌شد چنین فرموده‌اند: امروز که اصول احکام در دستبرد اجانب و نوکرهای آنها است، به جای وحدت کلمه این نحو تفرق و توهین بعضی از بعضی موجب کمال تأسف است و کاشف از عدم رشد جامعه است (صحیفه امام، ۱۳۷۶، ج ۲۲: ۱۰۷)

عوامل و اسباب تحقق وحدت اسلامی از نظر امام

عوامل و اسباب تحقق وحدت از نگاه امام عبارتند از: ۱. پیروی از دستورهای قرآن کریم؛ ۲. تشکیل حکومت و امت واحده؛ ۳. برادری؛ ۴. تقیه یا پرهیز از اختلاف؛ ۵. پیروی از سیره امامان در خصوص مناسک و عبادات با اهل سنت ۶ اجرای قسط و عدالت اسلامی. در این نوشتار تنها به شرح یک مورد اکتفا می‌نماییم.

اجرای قسط و عدالت اسلامی:

یکی از زمینه‌های ایجاد وحدت برقراری عدالت اجتماعی است. اگر افراد جامعه در دیدگاه حاکم به دو دسته «محروم» و «مرحوم» تقسیم شوند، طبیعی است همچنان که دسته مورد عنایت حاکم در همراهی در همراهی با وی مشکلی ندارند و عملاً وحدت خویش را استحکام می‌بخشند - چرا که صلاح شخصی خویش را در این پیوند می‌بینند، دسته محروم و مظلوم نمی‌توانند با حکومت و افراد نورچشمی همبستگی و یک دلی داشته باشند. امام خمینی نه تنها در حفظ وحدت اسلامی در زندگی شخصی خویش از خط عدالت خارج نمی‌شدند، بلکه در برخورد با مسئولان نظام، گروه‌های مختلف ارتشی و پاسدار و... احزاب سیاسی و جناح‌های داخل نظام (که از دیدگاه امام شرایط لازم برای هماهنگی و اتحاد در محور اسلام را داشتند) عدالت اجتماعی را رعایت می‌کردند. نگاهی به عزل و نصب‌های امام در طول دوره ده ساله ولایت ایشان مؤید خوبی برای این امر است. در نامه ایشان به یکی از اعضای بیت که از تمجیدهای امام نسبت به افراد مختلفی که در دو جناح سیاسی متضاد و متخالف کشور قرار داشتند خالی نبود، حضرت امام با اشاره به حسن نیت داشتن هر دو و داشتن اهداف و عقاید مشترک می‌فرمایند: اختلاف اگر زیربنایی و اصولی شد موجب سستی نظام می‌شود و این مسأله روشن است که بین افراد و جناح‌های موجود وابسته به اسلام اگر اختلاف هم باشد صرفاً سیاسی است ولو این که شکل عقیدتی به آن داده می‌شود.

آنها نسبت به اسلام و قرآن و انقلاب وفا دارند و به همین خاطر است که من آن را تأیید می‌کنم (صحیفه امام، ۱۳۷۸، ج ۲۱: ۴۷)

ماهیت وحدت از دیدگاه امام

برای بررسی ماهیت وحدت باید به ویژگیها و خصوصیات آن از منظر امام توجه داشت. بنابراین به برخی از ویژگیهای کلی وحدت از دیدگاه ایشان اشاره می‌شود که عبارتند از: ۱. اعتصام به حبل‌الله؛ ۲. مصلحت عمومی امت اسلامی؛ ۳. مصالح اسلام و شرع مقدس؛ ۴. توحید کلمه و عقیده؛ ۵. وحدت کنش، حاصل وحدت عقیده؛ ۶. جماعت و امداد خدایی؛ ۷. تکلیف الهی و شرعی «تقدس وحدت»؛ ۸. برادری اسلامی (وحدت مبتنی بر برادری اسلامی)؛ ۹. وحدت، شرط تداوم رحمت و رسیدن به سعادت ابدی؛ ۱۰. حکومت ابزار تحقق وحدت (جمشیدی، ۱۳۷۸ش، ص ۳۸). در این نوشتار تنها به شرح مصلحت عمومی امت اسلامی می‌پردازیم.

مصلحت عمومی امت اسلامی:

یکی از بنیانهای اساسی وحدت اسلامی «مصلحت عمومی امت اسلامی» است که گاه از آن به صلاح امت یا مصالح جماعت و ... نیز تعبیر شده است. هرگاه مصالح عمومی جامعه اسلامی ایجاب نماید باید از اختلافات جزئی به راحتی چشم‌پوشی کرد و خواسته‌های فردی و گروهی را فدای مصالح جمع نمود. این موضوع به کرات مورد عنایت و توجه پیشوایان دین بوده است. به عنوان مثال، امام صادق^(ع) در روایتی می‌فرماید:

از عملی که باعث ننگ و عار ما می‌شود بپرهیزید، مایه سرفرازی ما باشید نه سرافکندگی، در نماز جماعات آنان [برادران اهل سنت] شرکت کنید، بیمارانشان را عیادت نمایید و در مراسم تشییعشان حضور به هم رسانید، و مبدا آنان در کارهای نیک بر شما سبقت گیرند که سزاوار است شما بر آنان پیشی بگیرید، به خدا هیچ چیز محبوبتر از خباء نیست، پرسیده شد خباء چیست؟ فرمودند: تقیه و بر اساس برخی از نقل قولها در پایان روایت فرمودند: «ان ذلک احب العبادات و احسنها» [حر عاملی ۱۹۹۱: ۱۱].

البته، به تعبیر امام خمینی منظور از این نوع تقیه، تقیه مداراتی است که عبارت است از مدارا نمودن با اهل سنت. برای حفظ وحدت مسلمانان و بقای اسلام و جامعه اسلامی بدون اینکه ترس و بیمی در کار باشد.

بر این اساس، امام خمینی در کتاب **رساله‌ای در تقیه**، تقیه را بر دو نوع می‌داند:

(۱) تقیه اضطراری که از روی ترس و بیم است و برای حفظ جان، آبرو و یا دارایی و ... خود یا برادر ایمانی و یا ترس از ضرر رسیدن به حوزه اسلام و اختلاف کلمه میان مسلمانان است.

۲) تقیه مداراتی که آنچه مطلوب است وحدت کلمه مسلمین است و با محبت و دوستی و مدارا با اهل سنت بدون اینکه ترس و بیمی در کار باشد، صورت می‌گیرد.

راز و رمز تقیه مداراتی، مصلحت عمومی امت اسلامی، وحدت کلمه آنها در برابر دشمنان و جلوگیری از تفرقه و پراکندگی حمایت آنان است تا اینکه میان سایر ملل ذلیل و خوار نشوند و تحت سلطه کفار و سیطره آنان قرار نگیرند (امام خمینی ۱۳۶۸ ج ۲: ۲۰۰ - ۱۷۴).

همچنین حضرت امام برای رعایت مصالح امت اسلامی شرکت در نماز اهل سنت را جایز و بلکه لازم می‌دانند. برای نمونه در جواب استفتایی چون: «برای شرکت در نماز جماعت اهل سنت باید به وظایف نماز فردی عمل کرد یا احکام جماعت؟» اینگونه پاسخ می‌دهند: «وظیفه جماعت است و احکام جماعت را دارد» یا در مورد پرسش: «با توجه به اینکه اهل سنت دست بسته نماز می‌خوانند و آمین می‌گویند آیا در حال اختیار شیعیان می‌توانند در نماز جماعت اهل تسنن شرکت کنند؟»

می‌فرماید: «در مورد تقیه شرکت جایز و نماز صحیح است و مختص به مورد ضرورت نیست» (بی‌آزار شیرازی ۱۴۰۴: ۲۳)

در جایی دیگر امام خمینی رحمته الله علیه در ضرورت حفظ مصالح عمومی، یعنی مصالح مردم یک جامعه می‌فرماید:

امروز، روزی است که باید تمام قدرت‌ها هماهنگ باشند و همه حفظ نظم بکنند، که اگر نظام به هم بخورد، وضعیت به هم می‌خورد و همه خودشان را فدایی اسلام بدانند... شما مهیا باشید، نروید سراغ اختلافاتی که خودشان دارند با هم، شما بین راه هستید. اختلاف‌ها را کنار بگذارید... (صحیفه امام، ۱۳۷۸ ج ۱۳: ۲۰).

همه موظفید که در این زمانی که زمان حساسی است و اسلام گرفتاری دارد و کشور ما گرفتاری دارد، همه با هم یکصدا و با هم یکنواخت نهضت را پیش ببریم و ان شاء الله به پیروزی آخر برسیم و می‌رسیم. (صحیفه امام، ۱۳۷۸ ج ۷: ۲۰۴)

ابزارهای ایجاد وحدت از دیدگاه امام رحمته الله علیه

دولت و قوای حاکم یک جامعه اسلامی که خود را مسئول ایجاد وحدت در داخل و خارج مرزها می‌دانند، برای رسیدن به مطلوب خویش باید از ابزارهایی استفاده کنند. به نظر می‌رسد که اگر زمینه‌های ایجاد وحدت را چنان که ذکر شد بدانیم، ابزارهای زیر می‌تواند در ایجاد وحدت مؤثر افتد:

۱. قانون و آیین

زمان روشن شدن هدف مشترک در میان افراد امتی اسلامی، اولین چیزی که در راه وحدت می‌تواند مؤثر باشد قانون است. قانون و آیین‌نامه برای حفظ همبستگی جامعه‌ای محدود و حتی یک مجلس ضروری است. از این رو، گرچه قوانین اسلام خود حدّ و مرزهای کلی و حقوق مختلف اجتماعی را روشن کرده است، برای تبیین جزئیات، وجود مجالس قانونگذاری و مجالس بین‌المللی اسلامی در جهت حفظ وحدت ضروری است. شاید یکی از علل تأکید حضرت امام بر استقرار نهادهای قانونی مردمی در واپسین روزهای پیروزی بر نظام شاهنشاهی، توجه به همین نکته مهم بوده است. قانونگذاری اگر توسط نمایندگان احزاب و اقشار مختلف جامعه صورت پذیرد، خود زمینه‌ای مهم برای ایجاد ائتلاف بین آن اقشار و احزاب می‌گردد.

۲. آگاهی، آموزش و تذکر

مشکل دوم که رفع آن بر عهده دولت اسلامی است، جهل و بی‌خبری مردم است. جامعه‌ای که به نیازهای متقابل خویش آگاه نباشد، از دشمن مشترک خود غافل می‌شود، و اگر آثار وحدت و اختلاف را مورد توجه قرار ندهد و در حقیقت رشد اجتماعی و آگاهی لازم را کسب نکرده باشد، بدون تردید نمی‌تواند راه وحدت را در پیش روی خود قرار دهد. حکومت با استفاده از ابزار آگاهی‌دادن، تذکر و نصیحت این مسیر را همواره می‌سازد. حضرت امام بارها در کلمات خویش بر این نکته اصرار می‌ورزیدند و به آثار مطلوب وحدت و آثار اختلاف اشاره می‌کردند و هدف مشترک، دشمن مشترک و... را تذکر می‌دادند. ایشان دولت‌های اسلامی را به آثار مثبت و خارق‌العاده وحدت و همبستگی تنبّه داده، قدرت مجموع آنها را برای بازپس گرفتن فلسطین کافی دانسته و در صورت اتحاد، آنان را از قدرت‌های بزرگی چون آمریکا بی‌نیاز دانسته‌اند (صحیفه امام، ۱۳۷۸، ج ۱۵: ۲۷۲) همچنین، امام به مصادیقی از آثار وحدت اشاره کرده، پیروزی خالد بن ولید بر «روم» را از این نوع دانسته‌اند (صحیفه امام، ۱۳۷۳، ج ۶: ۴۹)

۳. مذاکره و مصالحه

پس از آگاهی‌دادن درباره قانون، ابزار دیگری که می‌تواند در راه ایجاد وحدت مؤثر باشد، برخورد موردی با مسأله مورد اختلاف است. حکومت می‌تواند با دعوت مخالفان و مذاکره با آنان زمینه‌های سوء تفاهم را برطرف کند. حضرت امام در مواقع مختلف با اعزام نماینده‌ای برای مذاکره و مصالحه و رفع اختلاف اقدام می‌کردند. از موارد بسیار مهم آن، اعزام نماینده به جلسه هیأت سه نفره بررسی اختلاف‌های بین رئیس جمهوری وقت (بنی صدر) به نتیجه مطلوب نرسید، سیره ایشان را در این زمینه نشان می‌دهد. حضرت امام به شرایط مذاکرات نیز اشاره و از نمایندگان مردم درخواست می‌کنند که مسائل را با برادری و حسن نیت طرح کنند نه با تنازع و خصومت: اگر اختلاف سلیقه داریم، اختلاف بینش داریم، باید بنشینیم و با هم در یک محیط آرام صحبت کنیم و مسائل خودمان را به میان بگذاریم و حل کنیم، با تفاهم مسائل را حل کنیم، نه این که جبهه‌گیری کنیم، یکی یک

طرف بایستند با دار و دسته خودش و یکی یک طرف دیگر و کوشش کنند در تضعیف یکدیگر و کوشش کنند در تضعیف کشور اسلامی (صحیفه امام، ۱۳۷۶، ج ۱۴ : ۳۸)

۴. اجبار

به طور طبیعی امکان دستیابی به وحدت حتی پس از مذاکره و مصالحه و حکمیت نیز پیش‌بینی می‌شود، کما این که در مواردی نیز این مسأله در عرصه انقلاب اسلامی محقق بود. مسلم است که وحدت و همبستگی قلبی و درونی و عقیدتی با اجبار محقق نمی‌شود، اما حداکثر کاری که پس از مرحله سوم امکان دارد، اجبار متخلف برای حفظ وحدت عملی است. اجبار ابزاری است که در نهایت از آن استفاده می‌شود، و گرچه نمی‌تواند وحدت مطلوب را محقق سازد تا حدودی آثار شوم اختلاف را از صحنه جامعه اسلامی برمی‌دارد. حضرت امام خمینی در سیره عملی خویش برای حفظ وحدت ارزش بسیاری می‌گذاشتند، و از حق خویش در راه رسیدن به وحدت صرف‌نظر می‌کردند.

بخش دوم:

وحدت در اندیشه رهبری

اتحاد و انسجام اسلامی در دیدگاه مقام معظم رهبری بسیار اهمیت دارد. ایشان از اولین روزهای مسئولیت مهم رهبری، این مسئله را در مناسبت‌های متعدد گوشزد فرموده و همواره از خطرها و آسیب‌های احتمالی موجود در این مسئله یاد کرده‌اند. ایشان مسئله وحدت را دارای پیچیدگی خاص خود می‌دانند و آن را در صورتی حائز اهمیت می‌دانند که اولاً به از بین رفتن اختلافات منجر شود و ثانیاً حاکمیت اسلامی را به همراه داشته باشد. در مسئله وحدت، دو نقطه یا دو جهت‌گیری اساسی وجود دارد که هر کدام به تنهایی، حائز اهمیت هستند. وقتی ما شعار وحدت می‌دهیم، این دو نکته اساسی باید مورد توجه ما باشد و همینها است که برای زندگی عملی مسلمانان، کارساز است: یکی از این دو نکته، عبارت است از رفع اختلافات و تناقضها، درگیریها، تضادها و کارشکنیها که از قرن‌ها پیش تا امروز، میان طوایف و فرق مسلمانان وجود داشته است و همیشه هم این تناقضها به ضرر مسلمانان تمام شده است. اگر به تاریخ اسلام برگردیم، خواهیم دید که زمان و مبدأ همه و یا قسمت اعظم این تعارضها و تناقضها، به دستگاههای قدرت مادی بر می‌گردد. تاریخ اسلام را ملاحظه کنید، خواهیم دید که از اختلافات اولیه - یعنی مسئله خلق قرآن و امثال آن - تا بقیه اختلافهایی که در طول زمان، بین فرق اسلامی - مخصوصاً در زمانهای بیشتری بین شیعه و سنی - اتفاق افتاده است، تقریباً، سر نخ این اختلافات در تمام بلاد اسلامی، دست قدرتهاست. وحدتی که ما اعلام می‌داریم و شعار می‌دهیم و به آن دلبسته هستیم و دنبال آن، حرکت و کار می‌کنیم، اولین نقطه‌اش باید ناظر به رفع این تعارضها، تناقضها، اختلافها و درگیریها باشد، که خدای متعال به این راضی است و مؤمنان و مخلصان، اولیاء و عقلا، از آن خشنودند. (موحدی، ۱۳۸۷ش، ص ۱۴۲).

نکته دوم این است که این وحدت باید در خدمت و در جهت حاکمیت اسلام باشد؛ والا پوچ و بی‌معنی خواهد بود. اگر علمای اسلام قبول می‌کنند که قرآن فرموده است: «وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَسُولٍ إِلَّا لِيُطَاعَ بِإِذْنِ اللَّهِ» (نساء، ۶۴)، پیامبر نیامد که نصیحتی بکند، حرفی بزند، مردم هم کار خودشان را بکنند و به او هم احترامی بگذارند؛ آمد تا مورد اطاعت قرار بگیرد، جامعه و زندگی را هدایت کند، نظام را تشکیل بدهد و انسانها را به سمت اهداف زندگی درست پیش ببرد. اگر علمای اسلام قبول دارند که قرآن کریم می‌فرماید: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيُقِيمُوا النَّاسَ بِالْقِسْطِ» (حدید، ۲۵)؛ اقامه قسط، عدل، رفع ظلم و ایجاد زندگی صحیح برای بشر، هدف ادیان است، پس باید حرکت به سمت حاکمیت اسلام باشد و حاکمیت اسلام در کشورها و جوامع اسلامی، امری ممکن است (بیانات رهبر در دیدار با مسئولان کشوری و لشکری شرکت کننده در کنفرانس وحدت اسلامی، ۱۳۶۹/۷/۱۶).

مقام معظم رهبری با حساسیت و دقت انسجام و اتحاد اسلامی را مورد بررسی قرار داده و نه تنها با گفتار و بیانات خود در این زمینه گام برداشته‌اند بلکه در حیطه عمل با تأسیس مجمع تقریب مذاهب اسلامی، حمایت بی‌دریغ از کنفرانس وحدت اسلامی و نام‌گذاری سال ۱۳۸۶ش به نام سال «اتحاد ملی و انسجام اسلامی»، این ضرورت و اهمیت را اثبات نمودند.

از دیدگاه مقام معظم رهبری علیه السلام ترقی و تعالی دنیای اسلام جز با انسجام اسلامی امکان‌پذیر نمی‌باشد: «در دایره‌ای وسیع، رمز پیروزی امت اسلامی وحدت کلمه است. اگر امت اسلامی می‌خواهد در میدانهای علم، ترقی، پیشرفت مادی، تسلط بر سرنوشت خویش، رهایی از سلطه بیگانگان و سعادت درونی و بیرونی پیشرفت کند، راهش با کلمه توحید و توحید کلمه است. مراکز قدرت استکباری که از هر عاملی برای تحکیم قدرت خود بر دنیا، استفاده می‌کنند، تلاش کرده‌اند در دنیای اسلام از هر وسیله‌ای برای تجزیه، تفرقه و اختلاف استفاده کنند، که متأسفانه تا حدود زیادی هم موفق شده‌اند. اگر امروز ملت فلسطین دچار چنین سرنوشت تلخی شده است؛ اگر امروز پیکر ملت فلسطین خون‌آلود است و مصیبت و غم آن ملت تا اعماق جان انسانهای دردمند نفوذ کرده است، به خاطر اختلاف کلمه مسلمانان است. اگر وحدت کلمه بود، این وضعیت به وجود نمی‌آمد. اگر عراق اسلامی زیر چکمه اشغالگران درآمده است، به خاطر اختلاف کلمه مسلمانان است؛ اگر امروز کشورهای خاورمیانه با فریادهای مستانه و مغرورانه آمریکا مستقیماً تهدید می‌شوند، به خاطر اختلاف کلمه مسلمانان است و اگر مسلمانان می‌خواهند از این خفت نجات پیدا کنند و اگر می‌خواهند فلسطین را نجات دهند و اگر می‌خواهند در افغانستان، عراق و سایر بلاد اسلامی، دشمن نتواند جسم و جان مسلمانان را زیر فشار قرار دهد، راهش در وحدت کلمه و وحدت ملتها، دولتها و وحدت شعارهاست» (بیانات رهبری در دیدار کارگزاران نظام به مناسبت عید سعید فطر، ۱۳۷۵/۱۱/۲۱).

مبانی فلسفی وحدت از دیدگاه امام خامنه ای

وحدت به قول رهبر معظم انقلاب یعنی: نبودن تفرقه، نفاق، درگیری و کشمکش. حتی دو جماعتی که از لحاظ اعتقاد دینی مثل هم نباشند می‌توانند در کنار هم باشند و می‌توانند دعوا نکنند. مقام معظم رهبری، مبانی فلسفی وحدت را این‌گونه بیان فرموده است: «بنای توحید که مبنای فکری و اعتقادی و اجتماعی و عملی ماست در وحدت است ... در جامعه‌ای که بر مبنای شرک بنا شده باشد، طبقات انسان هم جدا و بیگانه از یکدیگر است. در جامعه توحیدی، که وقتی مبدأ و صاحب هستی و سلطان عالم وجود و حی و قیوم و قاهری که همه حرکات و پدیده‌های عالم، مرهون اراده و قدرت او می‌باشد، یکی است، انسانها با یکدیگر خویشاوندند؛ چون به آن خدا وصل‌اند، به یک جا متصل‌اند و از یک جا مدد و کمک می‌گیرند. ولایت هم معنایش همین است. ولایت، یعنی پیوند و ارتباط تنگاتنگ و مستحکم و غیرقابل انفصال و انفکاک. جامعه اسلامی که دارای ولایت است؛ یعنی همه اجزای آن به یکدیگر و به آن محور و مرکز این جامعه، یعنی ولی متصل است. لازمه همین ارتباط و اتصال است که جامعه اسلامی در درون خود یکی است و متحد و متصل به هم است و در بیرون نیز اجزای مساعد با خود را جذب می‌کند» (طیبی‌خواه، ۱۳۸۶ش، ص ۴۹). ایشان همچنین وحدت اسلامی را «گرد آمدن صاحبان سلیقه‌ها و روشهای گوناگون بر گرد محور اسلام» (بیانات رهبری در چهلمین روز ارتحال امام خمینی، ۱۳۶۸/۴/۲۳)، معرفی می‌کنند که همان اعتصام به جیل‌الله است که عموم مسلمانان بدان مکلف گشته‌اند.

علل تفرقه و جدایی بین مسلمانان از منظر مقام معظم رهبری

علل تفرقه از دیدگاه رهبری تعدادی می‌باشند که به یکی از آنها که مهمترین و اصیل‌ترین آن است اشاره می‌نماییم.

اختلافات مذهبی:

از نظر مقام معظم رهبری یکی از آسیب‌های جدی جوامع اسلامی در شرایط فعلی، اختلاف‌های مذهبی است. ایشان در این باره می‌فرماید: «حقاً وضع مسلمانان از لحاظ تضادها و اختلافات مذهبی، تأسف‌انگیز است. بسیاری از تواناییهای علمی و فکری مسلمانان در طول تاریخ، صرف تعارض با یکدیگر شده است ... تا آن جایی که من یادم می‌آید، درگیریها و تعارضات و جنگ‌های مذهبی بین مسلمانان، به وسیله قدرتمندان هدایت شده است. از زمان بنی‌عباس تا زمانهای بعد، همواره دست‌هایی، طرف‌داران عقاید مختلف اسلامی را به جان هم انداختند. اگر این دست‌ها نبود، آنها با هم سالها در صلح و آرامش زندگی می‌کردند و هیچ مشکلی نداشتند. در زمان حاضر، برای اینکه مسلمانان با هم متحد و متفق نباشند و علیه هم کار کنند، تلاش‌های مضاعفی انجام می‌گیرد. این تلاش‌ها

به خصوص در وقتی تشدید پیدا کرده که نیاز مسلمانان به وحدت، بیش از همیشه است» (نجفی، ۱۳۹۰ش، ص ۱۴).

مقام معظم رهبری در مقاطع مختلف و به طور مکرر بر وحدت میان آحاد جامعه و به خصوص میان مسئولان که الگوی مردم هستند تأکید نموده و آن را تنها راه مقابله با تهدیدهای سنگین دشمنان معرفی نموده است (فقیه ایمانی، ۱۳۹۱ش، ص ۱۳). به عنوان نمونه ایشان در یکی از دیدارهای خود با مردم بیان داشته است: «اگر بخواهیم این مسئولیت در کشور جواب دهد، و مسئولان کشور به کمک مردم بتوانند ایران آینده را آن چنانی که لایق ایرانی و لایق نام مقدس اسلام است بسازند، راهش این است که ارتباط میان مردم، ارتباط میان ملت و مسئولان کشور - همچنانی که امروز هست - یک ارتباط مستحکم و صمیمانه باقی بماند. هرکس ملت را به تفرقه دعوت کند، هرکس سعی کند میان ملت و مسئولان کشور فاصله بیندازد، هرکس بر طبل اختلاف بکوبد، کاری بر خلاف مصلحت این کشور و این ملت انجام داده است؛ هرکس می‌خواهد باشد. اتحاد را، اتفاق را، وحدت کلمه را، حسن ظن به یکدیگر را باید حفظ کرد. قرآن می‌گوید: «لَوْ لَأِذْ سَمِعْتُمُوهُ ظَنَّ الْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بِأَنفُسِهِمْ خَيْرًا» (نور، ۱۲)؛ «چرا هنگامی که آن [بهتان] را شنیدید، مردان و زنان مؤمن گمان نیک به خود نبردند». دل‌هایتان را با هم صاف کنید، دست در دست هم پیش بروید؛ شک نداشته باشید که خدای متعال این چنین ملتی را، این چنین دل‌های صادقی را، این چنین گام‌های استواری را کمک و حمایت خواهد کرد» (بیانات رهبری در دیدار با مردم کازرون، ۱۳۸۷/۲/۱۶).

بدون شک امام خامنه‌ای پس از بر عهده گرفتن مسئولیت رهبری ایران، گام‌های بلندی در تحقق وحدت اسلامی برداشتند و دو دستاورد مهم در زمان ایشان محقق شده است که عبارتند از؛ نخست مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی و دوم مجمع جهانی اهل بیت (علیهم‌السلام) که هر دو در راستای طرح بزرگ وحدت اسلامی فعالیت می‌کنند. امروز با وجود توطئه‌های مختلف، نزدیکی، انس و الفت بسیار خوبی بین علمای مسلمان حاکم است. ایشان وحدت و اتحاد را یکی از عوامل مهم پیروزی انقلاب اسلامی دانسته که این مهم، همواره به عنوان یک ضرورت باقی خواهد ماند. می‌توان چنین بیان نمود که محور اساسی وحدت ملت، کلیت اندیشه اسلامی دانسته شده است که هم آرمان والای امت اسلامی است و هم رمز وحدت است.

در پایان می‌توان چنین بیان نمود که از نگاه رهبری وحدت چنان اهمیتی دارد که آن را به عنوان مسئله‌ای استراتژیک و نه تاکتیکی معرفی می‌نماید و همواره علما، روشنفکران، برجستگان سیاسی و آحاد امت اسلامی را به وحدت ذیل دستورات و آموزه‌های قرآن کریم و ارادت و محبت به پیامبر اسلام دعوت کرده‌اند. ایشان همچنین پرچمدار وحدت اسلامی در زمان حاضر است و وحدت اسلامی را گرد آمدن صاحبان سلیقه‌ها و

روشهای گوناگون بر گرد محور اسلام معرفی می‌کنند که همان اعتصام به حبل‌الله است که عموم مسلمانان بدان مکلف گشته‌اند.

مؤلفه‌های وحدت و انسجام امت اسلامی در حاکمیت اسلامی از دیدگاه رهبری

برخی از مؤلفه‌های اتحاد و انسجام امت اسلامی در حاکمیت اسلامی از دیدگاه مقام معظم رهبری عبارتند از: ۱. مبارزه با خوی خودخواهی و دنیاطلبی مسلمانان؛ ۲. تسلیم نشدن در برابر نظم باطل جهانی؛ ۳. استفاده از موقعیت جغرافیایی جهان اسلام؛ ۴. مواظبت در برابر خطر قومیت، مذهب و طایفه‌گری؛ ۵. درک اهداف دشمن از جنگ شیعه و سنی؛ ۶. مبارزه با توطئه عمال تفرقه‌انگیز دشمنان در دنیای اسلام؛ ۷. تصحیح استدلال غلط کشورهای مسلمان درباره منافع ملی خود؛ ۸. عبرت ملت‌های مسلمان از ایران؛ ۹. تضعیف و مبارزه با ناسیونالیسم افراطی در کشورهای مسلمان؛ ۱۰. ایجاد اتحاد در مقابله با صهیونیسم؛ ۱۱. رفع سوء ظن بین دولتها و ملت‌های اسلامی؛ ۱۲. شناخت شخصیت پیامبر اعظم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به عنوان محور انسجام اسلامی؛ ۱۳. اتحاد رؤسای کشورهای اسلامی؛ ۱۴. رفع دعوای رسانه‌ای و مطبوعاتی علیه مذاهب اسلامی. در این نوشتار تنها به شرح یکی از موارد فوق اکتفا می‌نماییم.

درک اهداف دشمن از جنگ شیعه و سنی:

شاید قدیمی‌ترین و مهم‌ترین حربه تفرقه‌افکنان در طول تاریخ اسلام، ایجاد جنگ بین مذاهب اسلامی و نفرت آنها از یکدیگر باشد. این کار تا آنجا اهمیت یافته است که بودجه‌های کلان برای انتشار مطالب تفرقه‌انگیز بر علیه هردو دسته اختصاص می‌دهند و از هیچ کوششی در این راه فروگذار نمی‌کنند. مقام معظم رهبری نسبت به این مانع نیز هشدارهای جدی و محکمی بیان فرموده‌اند و درک اهداف دشمن از وقوع این جنگ و تفرقه‌ها را مؤلفه‌ای مهم برای اتحاد و انسجام امت اسلامی در حاکمیت اسلامی می‌دانند: «امیرالمؤمنین را مایه اختلاف بین شیعه و سنی و فرقه‌های اسلامی قرار ندهید. امیرالمؤمنین نقطه وحدت است، نه نقطه افتراق. برادران و خواهران ما در سرتاسر کشور به این حرف اطمینان کنند. اطلاعات ماها از حوادث خیلی زیاد است. من به عیان می‌بینم دست‌های بسیار فعالی در کارند برای ایجاد اختلافات مذهبی؛ جنگ شیعه و سنی؛ نفرت مذاهب اسلام از یکدیگر. کتاب نوشته می‌شود علیه شیعه، کتاب نوشته می‌شود علیه سنی؛ وقتی دنبال می‌کنیم، می‌بینیم پول هردوی این کتابها از آن طرف مرزها و از یکجا آمده است. هر مذهبی عقاید و استدلال خود را دارد. در پشت میز استدلال و مباحثه، هرکس توانست غالب بشود، غالب بشود؛ اما فضای جامعه را نباید فضای جنگ، دعوا و منافرت قرار داد. امیرالمؤمنین محور وحدت است. همه دنیای اسلام در مقابل امیرالمؤمنین خاضع‌اند؛ شیعه و سنی ندارد. در طول تاریخ اسلام، هم در دوران اموی و هم دوران عباسی گروه‌هایی دشمن امیرالمؤمنین بودند؛ اما عامه دنیای اسلام - چه سنی مذهب، چه شیعه مذهب - امیرالمؤمنین را تجلیل می‌کنند. شما ببینید ائمه فقهی اهل سنت درباره

امیرالمؤمنین شعر مدح دارند. اشعار معروفی که گفته می‌شود، مال شافعی است. امام شافعی درباره امیرالمؤمنین اشعار مدح‌آمیز دارد. نه فقط درباره امیرالمؤمنین، بلکه درباره همه یا اغلب ائمه اینها خاضع‌اند. برای ما شیعیان، مقام و موقعیت این بزرگوارها شفاف، روشن و واضح است؛ اما نتوانستند برای خودشان این مسائل را روشن کنند. در مقام بحث و مجادله علمی و بحث علمی این چیزها قابل روشن شدن است. منطق ما خیلی قوی است؛ اما عده‌ای امروز در عراق، در نقاط مختلف دنیای اسلام و به خصوص در ایران سعی‌شان این است که دعوا بیندازند. ما می‌بینیم که قضیه از کجاها دارد آب می‌خورد» (بیانات رهبری در خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۸۳/۸/۱۵).

ایجاد اختلاف در بین مسلمانان و به ویژه جنگ بین شیعه و سنی تا آنجا برای دشمنان اهمیت دارد که ممکن است حتی در مراسم عبادی بزرگ به خصوص حج، کسانی را برای این کار اجیر نمایند و مسائل تفرقه‌انگیز را بزرگ جلوه نمایند. مقام معظم رهبری این ترفند دشمنان را به خوبی توصیف می‌فرماید: «امروز یکی از اهداف اساسی استکبار و آمریکا در دنیای اسلام عبارت است از ایجاد اختلاف؛ بهترین وسیله هم ایجاد اختلاف بین شیعه و سنی است. می‌بینید دست پروردگان استعمار در دنیا به مناسبت مسائل عراق چه حرف‌هایی می‌زنند، چه سمپاشیهایی می‌کنند و به خیال خودشان چه بذر نفاقی می‌پراکنند. سالهای متمادی است که دست استعمار و دست قدرت‌طلبِ قدرتهای فزون‌خواه غربی دارند این کار را می‌کنند. در حج فرصت خوبی برای آنها است تا شیعه را از سنی، و سنی را از شیعه عصبانی کنند؛ آن را وادار کنند به مقدسات این اهانت کند، این را وادار کنند به مقدسات و محبوبات او اهانت کنند. باید هوشیار بود؛ مخصوص حج هم نیست؛ در همه دوران سال و در همه میداها باید هوشیار بود. جنگ شیعه و سنی، محبوب واقعی آمریکا است. بعد از گذشت قرن‌ها روبه‌روی هم بنشینید - مثل کسانی که در جنگ با همدیگر روبه‌رو می‌شوند - با دل‌های پُر کینه نسبت به یکدیگر حرف بزنند؛ آنها برای اینکه این اختلاف را ایجاد کنند، در مراسم حج کسانی را اجیر می‌کنند؛ شما باید هوشیار باشید؛ مردم هوشیار باشند؛ روحانیون محترم کاروانها باید با احساس مسئولیت تمام نسبت به این قضیه، متوجه باشند؛ بدانند دشمن چه می‌خواهد. غفلت بزرگی است که انسان به خیال این که از حقیقت دفاع می‌کند، از نقشه دشمن دفاع کند و برای دشمن کار کند. دیگران پول می‌گیرند، مزدور می‌شوند و این کار را می‌کنند؛ عده‌ای عوام سطحی متعصب را هم ممکن است علیه شما، علیه عقایدتان و علیه مقدساتتان تحریک کنند. اگر با عملی متقابل مواجه شوند، بلاشک به هدف خودشان رسیده‌اند، آنها همین را می‌خواهند؛ می‌خواهند ما را با هم گلاویز کنند تا خیال خودشان را راحت کنند» (بیانات رهبری در دیدار دست‌اندرکاران مراسم حج، ۱۳۸۳/۹/۳۰).

در زمینه ضربه زدن به وحدت و انسجام اسلامی در مراسم عبادی حج، مقام معظم رهبری مسئله را به صورت مبسوط‌تر بیان می‌فرماید: «این حج، مظهر این قرآن است. ایمان خالصانه مؤمنان در طول تاریخ اسلام، از این قرآن ناشی شده است؛ این را باید قدر دانست. مثل همه ذخایر دیگر ما، این ذخیره هم مورد تهاجم است. اینهایی که می‌بینید در مراسم حج دنبال اختلاف‌افکنی، فتنه‌انگیزی و ترویج افکار موهوم و خرافی و متحجر خود هستند،

همان سرانگشتهای دانسته یا نادانسته‌ای هستند که این ذخیره را نابود می‌کنند و از بین می‌برند. کسانی که نمی‌گذارند شوکت، شکوه، عزت و عظمت این وحدت به چشم امت بزرگ اسلامی منعکس شود و بازتاب پیدا کند، جزء کسانی هستند که این ذخیره را نابود و ضایع می‌کنند. کسانی که نمی‌گذارند وحدت و شکوه عظیم امت اسلامی، آن هم در راه خدا - نه عظمت به عنوان تفاخر، نه عظمت به عنوان استعمار و تحقیر دیگر ملت‌ها، نه عظمت به عنوان جنگ‌افروزی علیه ضعفای عالم؛ بلکه عظمت در جهت ارزشهای الهی و در راه توحید - به دنیای اسلام منعکس شود، به بشریت ظلم می‌کنند. امروزه دنیای اسلام بر اثر نادیده گرفتن این ذخیره عظیم الهی ضربه می‌خورد» (بیانات رهبری در پیام به حجاج، ۱۳۸۱/۱۱/۱۸).

حرکت مغرضانه دشمنان در ایجاد جنگ بین شیعه و سنی چنان حساب شده و موذیانانه است که گاهی اوقات از افراد ناآگاه و بی‌غرض برای این امر استفاده می‌کنند. مقام معظم رهبری این ترفند را چنین بیان می‌کنند: «گاهی دشمن برای ایجاد اختلاف - هم در بین شیعه، هم در بین سنی - از آدمهایی که غرض و مرضی ندارند، استفاده می‌کنند. در جامعه شیعه حرکتی انجام می‌گیرد که برای برادر مسلمان غیر شیعه تحریک کننده و حساسیت برانگیز است. عین همین عمل، در بین جامعه سنی انجام می‌گیرد، نسبت به کاری که برای شیعه حساسیت برانگیز و نفرت برانگیز است. چه کسی این کارها را می‌کند؟ امروز دشمن واحدی در مقابل ما است؛ علاوه بر اینکه کتاب واحد، سنت واحد، پیغمبر واحد، قبله واحد، کعبه واحد، حج واحد، عبادات واحد، اصول اعتقادی واحد در جامعه اسلامی است. البته اختلافاتی هم وجود دارد. اختلافات علمی ممکن است بین هر دو نفر عالیم باشد. علاوه بر اینها، دشمن واحد در مقابل دنیای اسلام است. مسئله اتحاد بین مسلمانان یک امر جدی است. با این مسئله، باید این طور برخورد شود. هر روزی که این قضیه دیر شود، دنیای اسلام یک روز خسارت کرده و این روزها، روزهایی است که بعضی آن چنان حساس است که در یک عمر اثر می‌گذارد. نباید بگذارید دیر شود» (بیانات رهبری در دیدار با کارگزاران نظام و میهمانان خارجی شرکت کننده در کنفرانس بین‌المللی وحدت اسلامی، ۱۳۷۴/۵/۲۴).

راهکارهای تقویت وحدت اسلامی

اقدامات و راهکارهای تقویت وحدت و استقرار اخوت اسلامی عبارتند از:

۱. برگزاری برنامه‌های گفتگوی علمی بین عالمان متعهد و مستقل شیعه و سنی در مورد اختلاف‌نظرهای فقهی و سیاسی مثل ربا، کنترل موالید، موسیقی، حد و مرز ارتباط با کفار و

۲. برگزاری سمینارهای همفکری در زمینه چگونگی مقابله با فرهنگ مهاجم غربی بین حوزه و دانشگاه.

۳. تأسیس نهادی حوزوی و نه دولتی برای کنترل و نظارت برداشتهای نادرست و جلوگیری از تحریف معنوی قرآن و سنت.

۴. تأسیس مرکزی برای شناخت و معرفی دقیق اهل بیت(ع) و شبهه‌زدایی از زندگی آنان و جلوگیری از تحریف سیمای عترت(ع) (وزیری، ۱۳۹۱ش، ص ۴۳).

۵. گسترش فرهنگ انس با قرآن و حدیث در میان قشر جوان و نوجوان.

۶. اهتمام به خودسازی و تقویت مساجد، نماز، زیارت و توسل، دعا و عبادت.

۷. دفاع از آزادی اندیشه و بیان در چهارچوب قرآن و سنت و مقابله با توهین و تحقیر دین، انبیاء و اصول تفکر اسلامی.

۸. حمل گفتار و رفتار مؤمنان بر صحت و پرهیز از اتهام بی‌جا و طی مراحل امر به معروف و نهی از منکر در جامعه اسلامی.

۹. تفاهم و گفتگو با واژه‌ها و اصطلاحات فرهنگ اسلامی و خودداری از حضور و شرکت در مجامعی که با اصطلاحات و فرهنگ غیر مکتبی در مورد اسلام و مسلمانان سخن می‌گویند (طارمی، ۱۳۸۶ش، ص ۵).

۱۰. احیای روحیه خودباوری و نفی غربزدگی حاکم بر اغلب جوامع اسلامی.

۱۱. خرافه‌زدایی و پاک‌سازی فرهنگ دین باوران از خرافه و دروغ و پیرایه‌های تفرقه‌انگیز.

۱۲. افزایش ارتباطات و دید و بازدید علمی بین حوزه، دانشگاه و مراکز فرهنگی دنیای اسلام.

۱۳. توجه به دشمن اصلی و مقابله با وابستگان فکری، سیاسی و افشای مزدوران کفر جهانی در دنیای اسلام.

۱۴. معرفی تلاشهای وحدت‌آفرین انبیاء و معصومان علیهم‌السلام و اسوه‌های وحدت اسلامی به نسل جوان دنیای اسلام (مهدی‌پور، ۱۳۷۷ش، صص ۴ و ۵)

نتیجه:

انسجام و وحدت جمعی، مهم‌ترین مسئله امت اسلامی است. استعمارگران، پی به اهمیت آن برده و در سده‌های اخیر، در صدد شکستن آن برآمده و بهره‌های ظالمانه فراوانی برده‌اند. امام خمینی علیه السلام در دوره معاصر، آن را به گفتمان غالب تبدیل نمود. این مسئله سبب هویت‌یابی، مجد، اقتدار و عزت مسلمانان است؛ امری است ممکن، که زمینه‌های آن موجودند و ظرفیتهای جهان اسلام، آن را عملیاتی می‌نماید. این مسئله، استراتژی کلان اسلام می‌باشد؛ شریعت و عقل به آن فرمان داده و مبانی استواری دارد، همچون عقیده به توحید، مناسک مشترک و دردهای مشترک. مقام معظم رهبری نیز در این راستا، بالا بردن اراده جمعی، اراده اسلامی و ارتباطات درونی دنیای اسلام و استفاده از فرصت را راهکار دانسته و اینکه باید بهره‌وری از ظرفیتهای بالا برده شود و منشور وحدت به عنوان یک مطالبه تاریخی تدوین گردد.

امام خمینی یکی از راهکارهای اساسی وحدت اسلامی را «ایجاد حکومت اسلامی» می‌دانست. ایشان برای تحقق این راهکار دست به دامن و آستان حاکمان هم عصر خود نگردید، بلکه در یک حرکت استثنایی و بی‌نظیر، حکومت غیر اسلامی، ظالم و غاصب دوران خودش را سرنگون ساخت و به دست خود حکومت اسلامی تأسیس نمود و اصل «ولایت فقیه» را پشتوانه نظری آن قرار داد که ولایت عام، مشروعیت سیاسی و متصدی بودن خود در امور را به ولی مطلق و حاکم یگانه پیوند می‌زند. این حکومت اگر می‌خواست به وحدت اسلامی برسد، «رهبری واحد» می‌طلبید؛ بنابراین حضرت امام، نخستین و مهم‌ترین راهکار خود برای تحقق همگرایی اسلامی را «رهبری واحد» معرفی نمود. در سایه رهبر واحد است که راهکارهای دیگر روح می‌گیرد و کارایی خود را حفظ می‌کند. حضرت امام، نقش نخبگان، عالمان و فرهیختگان را برجسته می‌داند و از نویسندگان دعوت می‌نماید که برای تحقق وحدت و همگرایی دست به قلم شوند و جامعه اسلامی را به وحدت و همدلی فرا بخوانند.

بینش امام خمینی علیه السلام این است که روابط کشورهای اسلامی، اگر معطوف به اشتراک عقیده، وحدت کلمه و دیگر مشترکات باشد، اختلافات و زمینه‌های جدایی فروکاسته می‌شود و هویت جدید و فعالی بروز و ظهور می‌نماید. در نگاه امام خمینی علیه السلام، اختلافات مسلمانان، ریشه در طبیعت، جغرافیا، زبان و فرهنگهای بومی و از همه مهم‌تر، توطئه‌ها و ترفندهای سلطه‌طلبان عالم دارد که با تکیه بر عناصر فوق، سعی در تشدید اختلافات، تفرقه و برجسته کردن نقاط افتراق دارد. اختلافات میان کشورهای اسلامی، باید براساس اصول و روشهای استراتژیک مرتفع گردد. گفتگو، تفاهم، تقریب، احساس مشترک و باور به سرنوشت مشترک، مقوله‌های وحدت‌ساز را تشکیل می‌دهد.

مقام معظم رهبری بر این باورند که باید مسلمانان جهان با هم متحد شوند و با هم دشمنی نکنند و محور همه، کتاب خدا و سنت نبی اکرم و شریعت اسلام باشد. مسلمانان باید شالوده زندگی خود را بر اسلام و قرآن استوار نمایند تا در تمام ادوار زندگی موفق باشند. همچنین فرموده‌اند که این مبنای توحید و اعتقاد به وحدانیت حضرت

حق، در تمام شئون فردی و اجتماعی جامعه اسلامی تأثیر می‌گذارد و جامعه را به صورت یک جامعه هماهنگ و مرتبط با یکدیگر و متصل و برخوردار از وحدت می‌سازد و وحدت همچون جام آبی است که جوامع اسلامی برای پیشرفت تشنه آن هستند.

از دیدگاه مقام معظم رهبری ترقی و تعالی دنیای اسلام جز با انسجام اسلامی امکان‌پذیر نمی‌باشد. ایشان در مقاطع مختلف و به طور مکرر بر وحدت میان آحاد جامعه و به خصوص میان مسئولان که الگوی مردم هستند تأکید نموده و آن را تنها راه مقابله با تهدیدهای سنگین دشمنان معرفی نموده‌اند. مقام معظم رهبری یکی از دستورات مهم قرآن خطاب به مسلمانان را حفظ اتحاد و یکپارچگی دانستند و تأکید دارند که امروز هر حنجره و زبانی که مسلمانان را به وحدت دعوت کند، حنجره الهی است و هر حنجره و زبانی که مسلمانان و مذاهب اسلامی را به دشمنی با یکدیگر تحریک کند، زبان شیطان است. مقام معظم رهبری بر این باورند که یکی از خطابه‌های قرآنی به مسلمانان، اتحاد حول ریسمان الهی و متفرق نشدن است که در مقابل آن، آموزش و روش استعماری قرار دارد که ایجاد اختلاف میان امت اسلامی و تشدید تعصبات مذهبی، دستور کار آن است.

وحدت بیت‌الغزل اندیشه و سیره امام و رهبری است و آنچه تاکنون نظام اسلامی را پویا و پایا داشته اتحاد و همدلی بوده است و شرط حفظ نظام اسلامی استمرار همدلی و وفاق در تمام حوزه‌ها و جنبه‌های نظام اسلامی است بنابراین با تاسی به سیره امام و رهبری در موضوع وحدت، دستیابی به قله‌های رفیع تکامل نظام اسلامی به آسانی میسر می‌گردد.



منابع :

۱. قرآن کریم.
۲. ایرانی، مصیب، «استراتژی وحدت ملی و انسجام اسلامی با توجه به دیدگاه امام خمینی(ره)»، فصلنامه اندیشه تقریب، سال پنجم، شماره هجدهم، ۱۳۸۸ش.
۳. آریان پور کاشانی، فرهنگ لغت فارسی، -انگلیسی دو سویه، انتشارات همسفر چاپ دوم ۱۳۸۶
۴. بزرگی، مهدی، «نقش انقلاب اسلامی در بیداری و وحدت مسلمانان»، فصلنامه اندیشه تقریب، سال دوم، شماره پنجم، ۱۳۸۴ش.
۵. خامنه‌ای، سید علی، «بیانات در دیدار با مسئولان کشوری و لشکری شرکت کننده در کنفرانس وحدت اسلامی»، ۱۳۶۹/۰۷/۱۶، پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری، قابل دسترسی در سایت: www.leader.ir
۶. همو، «بیانات در پیام به حجاج بیت‌الله الحرام در موسم حج»، ۱۳۸۱/۱۱/۱۸، پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری، قابل دسترسی در سایت: www.leader.ir
۷. همو، «بیانات در چهلمین روز ارتحال امام خمینی»، ۱۳۶۸/۴/۲۳، پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری، قابل دسترسی در سایت: www.leader.ir
۸. همو، «بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران»، ۱۳۸۳/۸/۱۵، پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری، قابل دسترسی در سایت: www.leader.ir
۹. همو، «بیانات در دیدار با مردم کازرون»، ۱۳۸۷/۲/۱۶، پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری، قابل دسترسی در سایت: www.leader.ir
۱۰. همو، «بیانات در دیدار دست‌اندرکاران مراسم حج»، ۱۳۸۳/۹/۳۰، پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری، قابل دسترسی در سایت: www.leader.ir
۱۱. همو، «بیانات در دیدار کارگزاران نظام به مناسبت عید سعید فطر»، ۱۳۷۵/۱۱/۲۱، پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری، قابل دسترسی در سایت: www.leader.ir

۱۲. جمشیدی، محمدحسین، «ماهیت وحدت در اندیشه امام خمینی»، نشریه کیهان فرهنگی، شماره ۱۵۶، ۱۳۷۸ش.

۱۳. جمشیدی، محمدحسین؛ محمدی، احسان‌الله، «مبانی تحقق وحدت حوزه و دانشگاه از دیدگاه امام خمینی(ره)»، فصلنامه معرفت در دانشگاه اسلامی، سال چهاردهم، شماره ۱، ۱۳۸۹ش.

۱۴. خمینی، روح‌الله، شرح چهل حدیث، قم، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۷ش.

۱۵. همو، صحیفه نور، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۶۸ش.

۱۶. طارمی، محمدحسین، «انسجام اسلامی در سیره اهل بیت(ع)»، مجله پگاه حوزه، شماره ۲۱۳، ۱۳۸۶ش.

۱۷. طیبی‌خواه، حسین، مجموعه مقالات همایش اتحاد ملی و انسجام اسلامی، گچساران، نشر آذین، ۱۳۸۶ش.

۱۸. فقیه ایمانی، محمدرضا، «آسیب‌شناسی وحدت در نظام اسلامی و راهکارهای حفظ آن از نگاه متون دینی»، فصلنامه بلاغ مبین، شماره ۳۲ و ۳۳، پاییز و زمستان ۱۳۹۱ش.

۱۹. فولادی، محمد، «استراتژی وحدت جهان اسلام در اندیشه امام خمینی»، نشریه معرفت، سال هفدهم، شماره ۱۲۶، ۱۳۸۷ش.

۲۰. فصلنامه ی اخوت، معاونت سیاسی نمایندگی ولی فقیه در نیروی مقاومت بسیج، بهار ۸۹.

۱۹. موثقی، احمد، استراتژی وحدت در اندیشه سیاسی اسلام، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی قم، جلد دوم، چاپ اول، ۱۳۷۱ش.

۲۱. موحدی، محسن، تجلی مؤلفه‌های انسجام اسلامی در حاکمیت اسلامی از دیدگاه رهبری(مجموعه مقالات برگزیده همایش اعتصام به قرآن و عترت رمز انسجام و وحدت)، مشهد، انتشارات سخن‌گستر، چاپ اول، ۱۳۸۷ش.

۲۲. مهدی‌پور، محمود، «عوامل صف‌بندی و راهکارهای وحدت اسلامی»، فصلنامه فرهنگ کوثر، شماره ۱۷، مرداد ۱۳۷۷ش.

۲۳. نجفی، رضا، «وحدت از منظر امام خامنه‌ای»، مجله فرهنگی اجتماعی سرزمین لادستان (سایت: www.ladestan.com), کد مطلب ۱۱۲، ۱۳۹۰/۲/۱۵.

۲۴. نوایی، علی‌اکبر، «انسجام اسلامی از منظر امام خمینی و مقام معظم رهبری»، فصلنامه اندیشه، سال سیزدهم، شماره پنجم و ششم، ۱۳۸۶ش.

۲۵. نشریه، علمی، فرهنگی، اجتماعی مرکز بزرگ اسلامی غرب کشور - تبیان شماره ۸۱-۸۲ - بهمن و اسفند ماه ۱۳۹۰.

۲۶. وزیری، علیرضا، «وحدت‌گرایی در سیره معصومان»، ماهنامه مبلغان، شماره ۱۶۲، زمستان ۱۳۹۱ش.

